



حکمت متعالیه و ملاصدرا

استاد سید محمد خامنه‌ای

خامنه‌ای، محمد، ۱۳۱۴ -، شارح
حکمت متعالیه و ملاصدرا / نوشته محمد خامنه‌ای. - تهران: تولید کتاب [تک]،
۱۳۸۳، ۱۵۵ ص.

ISBN 964 - 7472 - 55- 6

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه به صورت زیر نویس.

۱. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، ۹۷۹ - ۱۰۵۰ ق. - = الحکمة المتعالیه فی
الأسفار الاربعة - = نقد و تفسیر. ۲. فلسفه اسلامی - = متون قدیمی تا قرن ۱۴. الف.
صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، ۹۷۹ - ۱۰۵۰ ق.، الحکمة المتعالیه فی
الأسفار الاربعة، شرح. ب. بنیاد حکمت اسلامی صدرا. ج. عنوان. د. الحکمة
المتعالیه فی الأسفار الاربعة. شرح.

۱۸۹/۱

BBR ۱۰۸۳/۲ خ

۴۰۰۳۴ - ۸۳ م

کتابخانه ملی ایران



حکمت متعالیه و ملاصدرا

نوشته

استاد سید محمد خامنه‌ای

چاپ اول: زمستان ۱۳۸۳؛ ۵۰۰ نسخه

نشانی: تهران، بزرگراه رسالت، روبروی ضلع شمالی مصلای بزرگ تهران،

مجمع امام خمینی (ره)، بنیاد حکمت اسلامی صدرا

صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۶۹۱۹، تلفن: ۸۱۵۳۵۹۴ و ۸۱۵۳۲۱۰، دورنگار: ۸۸۳۱۸۱۷

کلیه حقوق متعلق به بنیاد حکمت اسلامی صدرا است.

ISBN: 964-7472-55-2

شابک: ۹۶۴ - ۷۴۷۲ - ۵۵ - ۲

فهرست مطالب

۱	حکمت متعالیه و ملاصدرا
۳	دیباچه
۵	پیشگفتار
۹	دفتر اول: زندگی، شخصیت و آثار ملاصدرا
۱۱	درآمد
۱۵	از کرسی استادی تا گوشه انزوا
۲۰	اساتید
۲۴	فرزندان و شاگردان
۳۰	آثار و کارهای ملاصدرا
۴۰	تحلیل، نقد و بررسی زندگانی ملاصدرا
۴۵	دفتر دوم: مکتب فلسفی ملاصدرا
۴۷	مکتب ملاصدرا - حکمت متعالیه
۴۹	زمینه‌ها
۵۵	منابع مکتب ملاصدرا
۶۰	روش

ب فهرست مطالب

۶۴	 ساختار حکمت متعالیه
۶۶	 مبانی و اصول مهم مکتب ملاصدرا
۶۷	 وجودشناسی
۶۹	 شناخت وجود
۷۳	 اصالت وجود
۷۷	 احکام وجود
۱۰۹	 شناخت‌شناسی
۱۱۱	 وجود ذهنی
۱۱۷	 اتخاذ عاقل و معقول و عقل
۱۲۴	 خیال مجرد
۱۲۸	 مسئله ادراکات انسان
۱۳۵	 نفس و رستاخیز
۱۳۷	 حدوث جسمانی نفس
۱۴۲	 معاد و رستاخیز
۱۴۶	 متافیزیک مرگ
۱۴۹	 هرمنوتیک و تفسیر
۱۵۱	 تفسیر و هرمنوتیک ملاصدرا
۱۵۳	 شیرازه پژوهش

بنام خدای حکیم و علیم

ویاچه

یکی از جهات عمده اعتبار و احترام ملتها، تاریخ و سوابق آنان در پیشبرد تمدن بشری و نشر حکمت و دانش و نیز شهرت و معرفی دانشمندان و حکما و شخصیت‌های جهانی واقعی آنان می‌باشد.

شاید بتوان ادعا کرد که ایران بیشترین سابقه و مؤثرترین و ماندگارترین اثر فرهنگی و تمدن را در جهان داشته و حکمت و دانش کنونی جهان با تمام تحولات و تبدلات خود، میراث فرهنگی و مدنی ایران است.

دانشمندان و شخصیت‌های فرهنگی ایران نیز همواره برتری چشمگیری بر دیگران داشته‌اند و نام فارابی، ابن‌سینا، سهروردی، طوسی، ملاصدرا و مانند آنان در همه جهان بزرگی یاد می‌شود.

شناخت و معرفی و احترام بزرگان هر ملت یکی از ارکان بقا و سرفرازی آن ملت است و آشنایی نسل جوان در هر دوره از ادوار سبب راهیابی آنان به راه و روش درست و رسیدن به رشد معنوی و الگو گرفتن از این بزرگان می‌گردد.

شخصیت حکیم صدرالمآلهین معروف به ملاصدرا که سرآمد دانشمندان

این مرز و بوم است، تا حدود بسیاری آنگونه که باید شناخته نشده است و ضروری است که این کار بایسته هر چه بیشتر و بیشتر انجام گیرد.

خوشبختانه در این دهه کوششهایی بوسیله بنیاد حکمت اسلامی صدرا و شاخه بین‌المللی آن «سپیرین» انجام شده و مردم ایران و نقاطی از جهان از شخصیت و مکتب بینظیر او آگاه شده و شوق وافر در بیشتر موارد به آشنایی و مطالعه افکار او بوجود آمده است.

چون آثار ملاصدرا بزبان عربی است (بجز رساله سه اصل) و درک مقاصد او که بزبان فلسفه ادا شده تا حدودی دشوار می‌باشد و کتاب اسفار و کتابهای عمده فلسفی او به زمان بسیاری نیاز دارد و بدون استاد نمی‌شود به عمق آن رسید از اینرو این رساله در حجم کم بزبان فارسی و نسبتاً ساده و قابل فهم تهیه شده تا عامه مردم بدون شرط تخصص در فلسفه یا تحصیل آن بتوانند اجمالاً با این حکیم و خلاصه‌ای از دستاوردهای مهمتر او آشنا شوند.

این کتاب بشیوه‌ای نگاشته شده که باسانی قابل ترجمه بزبانهای دیگر و در محیطها و جوامع دیگر هم قابل فهم و استفاده باشد و از هم اکنون ترجمه آن به انگلیسی انجام و چاپ گردیده و در دست مردم و علاقمندان است و در برخی کشورها بزبانهای مختلف در دست ترجمه می‌باشد و امیدواریم بزودی شاهد ترجمه آنها در بیش از ده کشور و مطالعه آن در دست هزاران علاقمند به فلسفه باشیم.

پیشگفتار

براساس روایات دینی و تاریخ ادیان هیچگاه بشر بدون پیامبر نبوده و همواره دین، یا فرهنگ باقیمانده از پیامبران، برای مردم هر زمان برنامه زندگی بوده است. یکی از آموزه‌های مهم پیامبران، درس «اندیشیدن» بود؛ اندیشیدن درباره جهان و ارتباط انسان با آن و با پدیده‌های شگفت آن. پیامبران، هم به اندیشه بشر شکل می‌دادند و هم درس اخلاق و قانون در روابط اجتماعی را به آنها می‌آموختند.

فلسفه یا - درست‌تر بگوییم - حکمت نتیجه درسهای انبیاء بود که قرن‌ها در دست روحانیون قدیم پارس - که به آنها مغ می‌گفتند - و برخی مناطق شرق و خاورمیانه، ترقی و رشد بسیار کرد و امروز به آن حکمت مشرقی یا اشراقی نام می‌دهند.

بسیب فتوحات کورش و پادشاهان دیگر ایرانی در حدود ۵ قرن پیش از مسیح، این فلسفه رواج بسیار یافت و از راه ترکیه و سوریه کنونی به ایونیان و آتن و نقاط دیگر نفوذ کرد و کسانی مانند طالس و فیثاغورس که به ایران سفر کرده بودند آن را به نواحی غرب دنیای آنروز بردند و بعدها نیز با وجود ارسطو - که مکتب دیگری بنام مشائین را تأسیس کرد و گویا سعی بر برهم زدن آن

داشت - این مکتب قرن‌ها در رم و مصر و سوریه و نواحی دیگر باقی ماند تا در قرن دوم هجری (قرن ۸ مسیحی) بدست مسلمین رسید.

با آشنایی مسلمین با فلسفه اشراقی و مشائی یونانی و ترجمه کتابهای آنان به عربی، فلسفه جهش و رشد چشمگیری پیدا کرد و هنوز یک قرن نگذشته بود که فیلسوفان بزرگ ایرانی - یعنی فارابی و ابن‌سینا - آنرا به اوج خود رساندند. در قرون بعد نیز این رشد بی‌سابقه ادامه داشت و فیلسوف اشراقی معروف بنام سهروردی (۵۷۸ - ۵۴۹ هـ / ۱۱۹۱ - ۱۱۵۳ م) و فیلسوف دیگر مشائی بنام نصیرالدین طوسی (۶۷۲ - ۵۹۷ هـ / ۱۲۰۱ - ۱۱۸۵ م) از چهره‌های معروف این دوره‌های سیر فلسفه در ایران و اسلام می‌باشند.

سبب این رشد فوق‌العاده، وجود معارف و فرهنگی خاص و عقلی بود که اسلام و قرآن و حدیث پیامبر ﷺ به مسلمین داده بود و در آن، اندیشه فلسفی از جمله شناخت خدا به نازک‌اندیشی بسیار رسیده بود و همین سبب شد که حتی پیش از ترجمه و آشنایی مسلمین با فلسفه، خود آنها مسائل و مکاتب فلسفی (بنام علم کلام) بسازند و مسائل مشکل فلسفی را طرح و بحث نمایند. این ویژگی قرآن و حدیث بعدها - یعنی در زمان عرفای صوفی مسلمان و فیلسوف ما ملاصدرا و اساتیدش - باز خود را نشان داد و سبب گردید که دو مکتب مهم در تاریخ اندیشه و فلسفه بوجود آید: یکی مکتب تصوف و دیگری مکتب حکمت متعالیه (Transcendent Philosophy)، که بوسیله ملاصدرا بوجود آمد.

بتعبیر برخی از مورخان، فلسفه‌ای که از ایران به غرب سفر کرده بود دوباره از طریق ترجمه مسلمین به ایران بازگشت و در دامن فلاسفه ایرانی به رشد و

بالندگی پرداخت.

جریان تاریخی - سیاسی - مذهبی دیگری بنام «باطنی» نیز در اراضی و کشورهای مسلمین از قرن دوم هجری تا قرن هفتم - یعنی زمان مغول - دوام داشت که از لحاظ مذهبی، مسلمان شیعی و از لحاظ علمی، فیلسوف و یا حکیم بودند و از فلسفه (و گاهی عرفان یا حکمت اشراقی) برای مقابلهٔ سیاسی - فرهنگی با خلفای بغداد استفاده می‌کردند.

نمونهٔ کارهای آنها یک دائرةالمعارف فلسفی - علمی بنام رسائل اخوان الصفا است و فلاسفهٔ مهم شیعی مذهب با این جریان رابطه داشتند و طبعاً به تکامل فلسفه کمک می‌کردند.

این جریان علمی - سیاسی در قرن چهارم هـ (قرن دهم مسیحی) به اسپانیا (اندلس) که دارای یک حکومت مسلمان مستقل از بغداد شده بود، راه یافت و در واقع به آنجا پناه برد و توانست که با آزادی تمام رشد کند و فلاسفه و عرفا، و کتب معروف، و کتابخانه‌ای بزرگ، و مدارس و حوزه‌های علمیه در آنجا بوجود آورد.

بخشی از این سرمایهٔ کلان علمی و فلسفی پس از فتح مسیحیان بدست اروپائیان افتاد و بیشتر کتابها به کتابخانه‌های مهم دربارها یا پاپ‌ها یا مدارس آن زمان اروپا رفت و به لاتین ترجمه شد و سبب نهضت عظیم علمی در زمینه‌های حقوق، فلسفه، منطق، ریاضیات، فیزیک، شیمی، نجوم، پزشکی و حتی ادبیات، موسیقی، معماری و هنر گردید و رنسانس را بوجود آورد.

باز گردیم به سیر فلسفه در داخل ایران. در ایران فلسفه جای امنی یافته بود، اگرچه معمولاً در همه جای کشورهای اسلامی حتی ایران از طرف فقه‌های

غیرشیعی به فلسفه حمله می‌شد و غزالی معروفترین آنهاست که مکتبی ضد فلسفی از خود باقی گذاشت، ولی به حملات او خیلی زود پاسخ داده شد؛ هم علمای باطنیه که هدف اصلی این حملات غزالی بودند و هم فلاسفه، بویژه فلاسفه شیعه، زیرا با تفسیر درست خود از قرآن و از متون اسلامی معتقد بودند که فلسفه و تعقل یک فرزند از قرآن و حدیث و مورد قبول اسلام است و بهیچوجه با اصول اعتقادی اسلام و آیات قرآن مخالفتی ندارد.

بهمین سبب هر یک از شهرهای معروف ایران مانند خراسان، ری، اصفهان، شیراز و دیگر شهرها بنوبت محور و مرکز رشد و بالندگی فلسفه شدند؛ از جمله مثلاً دویست سال پیش از ملاصدرا، شهر شیراز مرکز فلسفه و محل تجمع فلاسفه مهم بود و در زمان خود وی، اصفهان این مرکزیت را یافت و بعد از وی به تهران (ری)، قم و مشهد (طوس در خراسان) منتقل گردید.